

## بررسی نظریه اقتصادی دور تسلسل فقر و توسعه نیافتگی در مناطق پسته کاری ایران

رضا صداقت\*

### چکیده

تولید پسته در ایران یکی از منابع مهم ایجاد درآمد برای باغداران پسته و اقتصاد ملی محسوب می‌شود. تقریباً ۱۰ درصد از ارزش صادرات غیر نفتی کشور را صادرات پسته تشکیل می‌دهد که درآمد ارزی حاصل از آن سالانه حدود ۴۰۰ میلیون دلار گزارش شده است. در مورد میزان اشتغالزایی تولید پسته آمار دقیقی وجود ندارد ولی خانوارهای بسیاری در استانهای مختلف کشور به طور مستقیم و یا غیر مستقیم از طریق تولید پسته امرار معاش می‌کنند و به کسب و کار مولد مشغولند. لذا می‌توان گفت پایدار بودن درآمد حاصل از این محصول از جنبه‌های مختلف برای اقتصاد ایران حائز اهمیت است.

این مطالعه با هدف بررسی نظریه اقتصادی دور تسلسل فقر و توسعه نیافتگی در مناطق

\* عضو هیئت علمی مؤسسه تحقیقات پسته کشور (رفسنجان)، وزارت جهاد کشاورزی.

Email: rседaghat2000@yahoo.com

پسته کاری ایران و یا به عبارتی بررسی عامل اساسی پایین ماندن بهره‌وری در این مناطق شکل گرفته است. جهت انجام این مطالعه، از روش پس‌پایشی<sup>۱</sup> و روش نمونه‌گیری خوشه‌ای دو مرحله‌ای<sup>۲</sup> استفاده شده است. به این منظور ۱۲۰ نفر از باغداران پسته‌کار شهرستان رفسنجان (در سال زراعی ۷۹-۸۰) به‌عنوان اعضای نمونه انتخاب شدند و مورد مصاحبه حضوری قرار گرفتند. برای دستیابی به هدف مورد نظر در این مطالعه، با استفاده از روش‌های اقتصادی، هزینه تولید، درآمد ناخالص و درآمد خالص در هر هکتار پسته تعیین شد و با محاسبه متوسط سطح زیرکشت گروه‌های مختلف تولیدکننده و متوسط هزینه سالانه خانوار، میزان نقدینگی این گروه‌ها نیز محاسبه گردید.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که به رغم اقتصادی بودن تولید پسته در واحد سطح (هکتار)، به دلیل پایین بودن متوسط سطح زیرکشت و بالا بودن هزینه‌های زندگی هر خانوار، نظریه دور تسلسل توسعه نیافتگی در مورد قسمت اعظم مناطق پسته کاری صادق است که در صورت بی‌توجهی به این مسئله، روند تولید پسته به سوی غیر اقتصادی شدن پیش خواهد رفت و همچنین کاهش تدریجی درآمد و پایین آمدن سطح اشتغال نیز اجتناب ناپذیر خواهد بود.

#### کلید واژه‌ها:

دور تسلسل فقر و توسعه نیافتگی، نقدینگی، بهره‌وری، پسته، ایران.

#### مقدمه

بهره‌وری مناسب از عوامل تولید کشاورزی همواره یکی از مهمترین هدفهای مدیران بخش کشاورزی بوده است. بی‌توجهی به بهره‌وری و ثابت ماندن و یا کاهش آن طی زمان، با توجه به افزایش هزینه‌های تولید، در صورتی که هم‌زمان با آن قیمت محصول افزایش پیدا نکند مشکلاتی برای تولیدکنندگان دربر خواهد داشت که از آن جمله می‌توان به کاهش انگیزه تولید، کاهش سودآوری و در نهایت فرار سرمایه از بخش تولید به سوی بخش تجارت اشاره کرد. این

1. survey method

2. cluster two stage sampling

امر قطعاً تبعات منفی برای اقتصاد ملی در پی خواهد داشت.

یکی از مشکلات رویاروی محصول پسته کشور بویژه در سالهای اخیر، افزایش هزینه‌های تولید و افزایش نیافتن قیمت پسته متناسب با افزایش هزینه‌ها بوده در حالی که بهره‌وری عوامل تولید و به طور مشخص عملکرد محصول در واحد سطح هم تقریباً ثابت مانده است؛ به عبارت دیگر بخشی از تولیدکنندگان (خرده مالکان) هم اینک در وضعیت نامساعد مالی قرار گرفته‌اند. پیامد این مسئله کاهش انگیزه تولید کنندگان، پایین آمدن سودآوری تولید پسته و نبود امکان انجام امور زیربنایی و اصلاح باغهاست به طوری که بیم آن می‌رود ادامه این روند منجر به غیر اقتصادی شدن تولید پسته گردد.

با توجه به درآمد ۴۰۰ میلیون دلاری حاصل از صادرات پسته در حال حاضر و جمعیت چشمگیر کشاورزانی که به تولید این محصول روی آورده‌اند و نظر به هزینه‌های بالای سرمایه‌گذاری در تولید پسته، لزوم اتخاذ سیاستهای لازم جهت افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه‌های تولید، اصلاح نظام قیمتگذاری محصول و خروج مناطق پسته‌کاری کشور از وضعیت نامساعد موجود و سوق دادن آنها به سمت پویایی اقتصادی، امری است ضروری. در این مطالعه تلاش می‌شود تا ریشه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیرامون پسته بررسی گردد و در نهایت راهکارهایی مناسب در این باره ارائه شود.

### برخی نظریات اقتصادی در خصوص پدیده دور تسلسل فقر<sup>۱</sup>

تسلسل باطل عبارت است از مجموعه‌ای از عوامل نامساعد و ناپسند به هم پیوسته که به صورت حلقه‌های یک زنجیر (زنجیری که دو سر آن به هم متصل است) دور بسته باطلی را تشکیل می‌دهد و مانع پیشرفت و توسعه فعالیتها می‌شود.

رائول پریش، اقتصاددان توسعه در دهه ۱۹۶۰، تشخیص داد که در کشورهای در حال توسعه به دلیل زوال رابطه مبادله، درآمدها به سمت خارج مرزها جابه‌جا می‌شود. این امر باعث

---

1. vicious circle

می‌گردد تا ظرفیت تشکیل سرمایه ضعیفتر شود (ذاتاً ضعیف است). به همین دلیل است که در این کشورها سرمایه گذاری صورت نمی‌گیرد و قدرت رقابت در بازارهای جهانی کاهش می‌یابد و زوال رابطه مبادله به زیان این کشورها روز به روز تشدید پیدا می‌کند (چپروند، ۱۳۷۵).

پل باران بر این باور است که منبع آشکار برای افزایش محصول کل، استفاده از منابع موجود بلااستفاده است که یا به کار گرفته نشده‌اند و یا در سطح پایینی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. یکی از منابع مهم، نیروی انسانی است که هیچ راهی برای جذب آن در بخش کشاورزی وجود ندارد؛ زیرا بازده نهایی نیروی کار تمایل به صفر دارد. در کشورهای در حال توسعه برگزیدن یک راه یعنی انتقال نیروی کار به بخش صنعت نیز به دلیل فراهم نبودن زمینه‌ها مقدور نیست (همان منبع).

پروفسور راگنار نورکس از جمله دیگر افرادی است که پدیده توسعه نیافتگی را در گرداب تسلسلهای باطل گرفتار دیده است. وی در این خصوص می‌نویسد: «سطح درآمد پایین در ممالک عقب مانده بازتابی از قدرت تولید و باروری کم این کشورها و این خود ناشی از کمبود سرمایه است. کمبود سرمایه نیز به نوبه خود از پایین بودن ظرفیت پس انداز جامعه نشأت می‌گیرد. بنابراین دور باطل کامل می‌شود» (همان منبع).

### ریشه‌های عقب ماندگی

#### الف) علل اجتماعی و فرهنگی

مواردی چون اوضاع و احوال اجتماعی، رفتارهای اجتماعی، آداب و رسوم و نحوه عملکرد نهادهای اجتماعی و اقتصادی از عمده عوامل این دسته به شمار می‌آیند.

دو نوع نظریه در مورد توسعه نیافتگی کشورهای در حال توسعه وجود دارد:

الف) نظریه‌ای که این گونه جوامع را راکد، نامتجانس و دوگانه یا چندگانه می‌داند.

ب) نظریه‌ای که فرهنگ این گونه جوامع را پر از جهل، تعصب و خرافه پرستی می‌داند و

نداشتن انضباط اجتماعی، نبود روحیه همکاری دسته جمعی و اهمیت ندادن به زمان را از

خصوصیات بارز این گونه کشورها ذکر می‌کند (طاهری، ۱۳۷۶).

### ب) علل مربوط به عوامل خارجی و بین المللی

گونار میر دال، اقتصاددان هلندی، موقعیت فعلی کشورهای عقب مانده را ناشی از تحول و توسعه روابط اقتصادی بین المللی یعنی روابط استعماری می‌داند. رشد اقتصادی کشورهای پیشرفته منجر به توسعه بازرگانی بین المللی اما در جهت منافع آن کشورها سوق یافته است. رابطه مبادله به گونه‌ای طراحی شده که به نفع کشورهای پیشرفته است (همان منبع).

### ج) ضعف در مدیریت توسعه (اقتصادی)

این مورد شامل عواملی همچون نبود مدیریت صحیح جهت استفاده بهینه از منابع تولید، فقدان مدیران آگاه و با برنامه و عدم اتخاذ سیاستهای اقتصادی صحیح است (همان منبع).

### اهداف مطالعه

۱. بررسی وضعیت درآمد، هزینه و سودآوری یک هکتار پسته
۲. بررسی وضعیت درآمد، هزینه و سودآوری در گروههای مختلف از لحاظ سطح زیرکشت پسته
۳. بررسی وضعیت نقدینگی در گروههای مختلف پس از کسر متوسط هزینه‌های ماهانه یک خانوار
۴. بررسی نظریه دور تسلسل فقر در گروههای مختلف تولید کننده
۵. ارائه راهکارهایی جهت ارتقای بهره‌وری تولیدکنندگان پسته رفسنجان با بررسی اهم دلایل پایین بودن عملکرد در هکتار پسته

## اهم مشکلاتی که سبب پایین آمدن عملکرد در هکتار پسته شده است<sup>۱</sup>

مشکلات زیر به هنگام بازدید از مناطق پسته کاری رفسنجان، از طریق مصاحبه

حضوری با تعدادی از تولیدکنندگان تبیین شد:

۱. کاهش کمیت و کیفیت منابع آب کشاورزی
  ۲. سیستمهای سنتی کاشت و عدم استفاده از فناوریهای نوین و مناسب در تولید پسته
  ۳. نبود مدیریت صحیح فنی و اقتصادی در باغها
  ۴. فقدان مدیریت صحیح فنی و اقتصادی در سطح کلان (ملی، منطقه‌ای، ناحیه‌ای و...)
  ۵. کمبود نقدینگی در مناطق تولید پسته بویژه در زمانهایی که نیاز جدی به سرمایه نقدی وجود دارد.
  ۶. دیوانسالاری پیچیده در زمینه اعتبارات کشاورزی، نرخ بهره بالای تسهیلات کشاورزی و کوتاهمدت بودن اکثر وامها
  ۷. ناکارایی سیستم تهیه و توزیع نهاده‌های کشاورزی
  ۸. استهلاک ماشین آلات کشاورزی و عدم مدیریت صحیح ماشین آلات
  ۹. ناکارایی سیاستهای قیمتگذاری
  ۱۰. افزایش مداوم هزینه‌های تولید در نتیجه تورم و ناهماهنگی این مسئله با سیاست قیمتگذاری
  ۱۱. ضعف دانش فنی تولیدکنندگان در نتیجه پایین بودن سطح سواد و پیر شدن تولیدکنندگان و جذب نشدن جوانان در تولید
  ۱۲. ارتباط نامناسب تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی
  ۱۳. مشکلات مربوط به صادرات و تجارت جهانی پسته
- مشکلات فوق و برخی مسائل دیگر منجر به ایجاد یک وضعیت نامساعد مالی برای تولیدکننده در پایان سال زراعی شده است. این وضعیت سبب گردیده که درآمد حاصل از تولید

۱ عمده مطالب این بخش از منابع ۵، ۶ و ۸ برداشت شده است.

بررسی نظریه اقتصادی ....

تواند هزینه‌های تولید به علاوه هزینه‌های زندگی خانوار را جبران کند. در چنین شرایطی تولیدکننده معمولاً از انجام علمیات ضروری در باغهای خود صرف نظر می‌کند که در صورت ادامه این روند باید در درازمدت شاهد وضعیت نامساعدتر این محصول مهم بود.

## روش تحقیق

در این مطالعه با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای دومرحله‌ای تعداد ۱۲۰ بهره‌بردار از مناطق مختلف رفسنجان انتخاب و اطلاعات مربوط به سالهای ۷۸ و ۷۹ جمع آوری شد. جهت دستیابی به هدفهای مطالعه، بهره‌برداران بر اساس سطح زیر کشت در ۴ گروه کمتر از یک هکتار، ۲/۵-۵ هکتار، ۵-۲/۵ هکتار و بیش از ۵ هکتار قرار گرفتند و میانگین سطح زیر کشت هر گروه به عنوان نماینده آن گروه انتخاب و در مطالعه از آن استفاده شد.

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات ابتدا هزینه تولید، درآمد ناخالص و در آمد خالص در هکتار محاسبه و سپس با احتساب میانگین سطح زیر کشت هر گروه و متوسط هزینه ماهانه خانوار، وضعیت نقدینگی هر گروه محاسبه گردید (سلطانی و همکاران، ۱۳۷۱؛ نجفی و سلطانی، ۱۳۶۲).

روابط مورد استفاده در زیر آمده است:

$\pi = TR - TC$  سود خالص در هکتار، TR درآمد ناخالص در هکتار، TC هزینه کل در هکتار

$TR = p \cdot q$  P متوسط قیمت پنج سال گذشته، q متوسط عملکرد در هکتار دو سال اخیر

$TC = \sum_{i=1}^n C_i X_i$   $X_i$  میزان مصرف نهاد i،  $C_i$  هزینه هر واحد نهاد i

$L_i = \pi_i - E$   $L_i$  نقدینگی هر گروه،  $\pi_i$  سود خالص هر گروه و E متوسط هزینه سالانه خانوار

در جامعه مورد مطالعه

## برخی از ویژگیهای اجتماعی و فرهنگی جامعه مورد مطالعه

### وضعیت گروههای سنی

سن ۱۰/۶٪ از بهره‌برداران مورد مطالعه کمتر از ۳۰ سال، ۱۵/۶٪ بین ۳۰ تا ۴۰ سال،

۲۳/۸٪ بین ۴۰ تا ۵۰ سال و ۵۰ درصد بالاتر از ۵۰ سال بوده است (فرهود، ۱۳۷۸).

### وضعیت سواد

۴۵٪ از بهره‌برداران مورد مطالعه بیسواد بوده‌اند و ۴۰/۵٪ تحصیلات ابتدایی، ۹/۴ درصد تحصیلات راهنمایی، ۲/۸ درصد تحصیلات دبیرستانی و تنها ۲/۳٪ تحصیلات بالای دیپلم داشته‌اند (همان منبع).

### یافته‌های تحقیق

مقایسه قیمت مهمترین نهاده‌های کشاورزی مورد استفاده در باغهای پسته در جدول ۱ آمده است. همچنین در جدولهای ۲ و ۳ به ترتیب عملکرد در هکتار و قیمت داخلی پسته و هزینه‌های تولید در هکتار این محصول آورده شده است.

#### جدول ۱. مقایسه قیمت مهمترین نهاده‌های کشاورزی در سالهای ۷۵ و ۸۰

(واحد: ریال)

نوع نهاده	قیمت یک واحد در سال ۷۵	قیمت یک واحد در سال ۸۰
کارگر ساده (روز نفر)	۱۵۰۰۰	۲۵۰۰۰
کارگر ماهر (روز نفر)	۳۰۰۰۰	۶۰۰۰۰
ماشین آلات (ساعت کار مصرفی)	۲۰۰۰۰	۳۵۰۰۰
بذر (کیلوگرم)	۱۵۰۰۰	۲۵۰۰۰
کود ازته (۵۰ کیلوگرم)	۱۵۰۰۰	۲۷۰۰۰
کود فسفات (۵۰ کیلوگرم)	۲۰۰۰۰	۳۵۰۰۰
کود حیوانی (تن)	۴۰۰۰۰	۱۱۰۰۰۰
سم (لیتر)	۲۵۰۰۰	۵۲۰۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق و منبع شماره ۵



جدول ۲. عملکرد در هکتار و قیمت فروش پسته در سالهای ۱۳۶۶ - ۸۱

سال	عملکرد در هکتار (کیلوگرم)	قیمت پسته (ریال)
۶۶	۱۰۰۹	۲۳۰۰
۶۷	۹۹۳	۲۸۰۰
۶۸	۱۰۵۵	۳۴۰۰
۶۹	۱۱۳	۵۰۰۰
۷۰	۱۱۷۴	۵۶۰۰
۷۱	۱۱۳۵	۶۰۰۰
۷۲	۹۴۷	۹۵۰۰
۷۳	۱۰۹۷	۱۱۰۰۰
۷۴	۱۱۲۱	۱۴۰۰۰
۷۵	۴۵۲	۸۰۰۰
۷۶	-	۱۲۵۰۰
۷۷	۱۲۹۵	۳۵۰۰۰
۷۸	۵۱۱	۲۸۰۰۰
۷۹	۱۱۴۴	-
۸۰	-	۲۶۰۰
۸۱	-	۲۳۰۰

مأخذ: منابع شماره ۱ و ۴

جدول ۳. هزینه‌های تولید پسته در فاصله سالهای ۷۸-۷۹

نوع هزینه	مبلغ در هکتار (ریال)
ماشین آلات	$20 \times 20000 = 400000$ ساعت
کود شیمیایی	$10 \times 32500 = 325000$ کیسه ۵ کیلوگرمی
کود حیوانی	$20 \times 11000 = 220000$ تن
سم و کارگر سمپاشی	$8 \times 62000 = 496000$ لیتر
حمل و نقل	$110 \times 500 = 405000$ کیلوگرم*
فراوری (پوست‌گیری، شستن، خشک‌کردن و بسته‌بندی)	$110 \times 1000 = 810000$ کیلوگرم*
هزینه کارگری متفرقه	$45 \times 20000 = 900000$ روزنفر
هزینه آبیاری شامل ارزش مبادله‌ای آب کشاورزی و کارگر بادی و آبیاری ۳۶ روز یک بار	$10 \times 12 \times 30000 = 3600000$ دور آبیاری
جمع هزینه‌های تولید در هکتار	۹۱۳۶۰۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق و منبع شماره ۶

\* متوسط عملکرد ۸۱۰ کیلوگرم در سالهای ۷۸ و ۷۹ بر اساس میانگین‌گیری وزنی از عملکرد در هکتار بهره‌برداران به دست آمده است. این رقم با متوسط عملکرد در هکتار سال جاری کل کشور همخوانی دارد.

### وضعیت درآمد و سوددهی در هکتار و قیمت تمام شده پسته

درآمد ناخالص، درآمد خالص و سوددهی در هکتار و همچنین قیمت تمام شده یک کیلوگرم پسته در قالب روابط زیر محاسبه شده است. لازم به ذکر است که متوسط قیمت پسته (که در محاسبه موارد پیشگفته به کار می رود) مربوط به ۵ سال گذشته (۱۳۷۵-۷۹) و معادل ۱۹۵۰۰ ریال بوده است.

$$\text{متوسط قیمت} \times \text{متوسط عملکرد در هکتار} = \text{درآمد ناخالص در هر هکتار (ریال)}$$

$$810 \times 19500 = 15795000$$

$$\text{مجموع هزینه های تولید در هکتار} - \text{درآمد ناخالص} = \text{درآمد ناخالص در هکتار (ریال)}$$

$$9136000 - 15795000 = 6659000$$

$$\frac{\text{مجموع هزینه های تولید یک هکتار}}{\text{متوسط عملکرد در هکتار}} = \text{قیمت تمام شده هر کیلوگرم پسته (ریال)}$$

$$\frac{9136000}{810} = 11280$$

### پراکندگی سطح زیرکشت پسته کاری در رفسنجان

جمع بندی اطلاعات به دست آمده از پرسشنامه در مورد توزیع سطح زیرکشت پسته در گروه های مختلف مورد مطالعه در جدول ۴ آمده است. همچنین میانگین سطح زیرکشت پسته در منطقه رفسنجان با استفاده از داده های این جدول در قالب رابطه زیر، ۲/۵ هکتار محاسبه شده است.

$$\sum_{i=1}^n x_i \cdot f_i = \text{میانگین سطح زیرکشت منطقه}$$

$$= 2/5 \text{ هکتار}$$

جدول ۴. پراکندگی سطح زیرکشت پسته کاری در رفسنجان

گروه	طبقات بهره برداری	فراوانی	درصد	درصد اراضی تحت تملک
۱	کمتر از یک هکتار	۲۳۷	۴۳/۹	۸
۲	۱-۲/۵	۱۴۷	۲۷/۳	۱۹
۳	۲/۵-۵	۵۱	۹/۴	۱۴
۴	بیش از ۵ هکتار	۱۰۵	۱۹/۴	۵۹
جمع کل				۱۰۰

مأخذ: یافته های تحقیق و منبع شماره ۸

### وضعیت نقدینگی در گروه های مختلف

برای محاسبه این شاخص، متوسط سطح زیرکشت در هر گروه در نظر گرفته می شود و با

بررسی نظریه اقتصادی ....

توجه به متوسط عملکرد در هکتار و نیز متوسط هزینه در هکتار برآورد شده، وضعیت سود خالص گروه محاسبه می‌گردد. از آنجا که بخشی از این سود خالص باید صرف تأمین مایحتاج مصرفی و... خانوار کشاورز شود لذا معادل هزینه سالانه متوسط خانوار (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۹) از آن کسر می‌شود که باقیمانده در واقع نقدینگی است که می‌توان از آن جهت انجام امور زیربنایی، اصلاح باغها و افزایش بهره‌وری و... استفاده کرد و متناسب با افزایش آن انتظار بهبود وضعیت در آینده می‌رود. میزان نقدینگی در گروههای ۱ تا ۴ از طریق فرمول زیر به ترتیب برابر با ۱۲۳۴۳۷۶۱-، ۴۰۲۰۰۱۱-، ۹۲۹۷۹۸۹ و ۳۴۲۶۹۲۳۹ ریال به دست آمد. همچنین نقدینگی متوسط جامعه ۹۷۴۲۳۹ ریال محاسبه شد.

نقدینگی = درآمد ناخالص - هزینه‌های تولید کشاورزی - متوسط هزینه سالانه خانوار روستایی

### محاسبه عملکرد در هکتاری که میزان نقدینگی و درآمد خالص حاصل از تولید را صفر می‌سازد

نقدینگی صفر به معنی آن است که درآمد تولیدکننده از محل تولید کشاورزی برابر است با جمع هزینه‌های تولید و هزینه معیشتی خانوار وی، در حالی که درآمد خالص صفر به معنی آن است که درآمد تولیدکننده از محل تولید کشاورزی برابر است با هزینه کل تولید. محاسبه سطح عملکرد در هکتار در هر دو وضعیت می‌تواند مفید باشد. در حالت اول، میزان عملکرد در هکتاری به دست می‌آید که اگر تولیدکننده به آن برسد نقدینگی خود را در پایان سال زراعی صفر می‌کند. برای مثال در گروه ۱ میزان عملکرد در هکتاری که نقدینگی را صفر می‌کند ۲۰۷۶ کیلوگرم در هکتار محاسبه شده است. در حالت دوم، میزان عملکرد در هکتاری به دست می‌آید که اگر تولیدکننده به آن برسد سود تولید صفر می‌شود. برای مثال در گروه ۱ این میزان عملکرد ۴۶۸/۵ کیلوگرم شده است. با توجه به اینکه قیمت فروش محصول و هزینه خرید نهاده‌های کشاورزی دو عامل خارج از کنترل باغدار محسوب می‌شوند، لذا به نظر می‌رسد که در کوتاهمدت تحقق سود مناسب و در درازمدت تحقق نقدینگی مثبت ضروری است. در این ارتباط برای گروههای

چهارگانه میزان عملکرد در هکتاری که نقدینگی و درآمد خالص را صفر می‌کند محاسبه شده است که نتایج این محاسبات برای گروههای چهارگانه به شرح جدول زیر است:

#### جدول ۵. میزان عملکرد در هکتاری که نقدینگی و درآمد خالص

#### گروههای چهارگانه را صفر می‌کند

(واحد: کیلوگرم)

شرح	نقدینگی	درآمد خالص
گروه ۱	۲۰۷۶	۴۶۸/۵
گروه ۲	۹۲۷/۸	۴۶۸/۵
گروه ۳	۶۸۲/۸	۴۶۸/۵
گروه ۴	۵۷۵/۶	۴۶۸/۵
متوسط جامعه	۷۹۰	۴۶۸/۵

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که از جدول ۵ ملاحظه می‌شود در رابطه درآمد خالص (که پیشتر بدان اشاره شد) چون قیمت فروش و هزینه تولید در هکتار پسته برای گروههای مورد مطالعه یکسان در نظر گرفته شده است لذا میزان عملکرد در هکتار برای گروههای مختلف یکسان به دست آمد. دلیل دیگر این امر ضرب شدن یک ضریب یکسان (سطح زیرکشت هرگروه) در طرفین این رابطه است. در رابطه نقدینگی رقم مربوط به هزینه متوسط سالانه خانوار به طرف راست رابطه یادشده اضافه گردیده است. در نتیجه نقدینگی محاسبه شده برای گروههای مختلف، متفاوت به دست آمد، به طوری که برای تولیدکنندگان کوچکتر (خرده مالک) سطح عملکرد در هکتاری که نقدینگی را صفر می‌کند بیشتر است.

#### محاسبه حداقل وسعت اقتصادی و ارزش یک هکتار پسته با عملکرد متوسط

منظور از حداقل وسعت اقتصادی، سطح زیرکشتی است که پاسخگوی نیاز معیشتی یک خانوار تولید کننده در شرایط متوسط باشد. همچنین ارزش بازاری یک هکتار پسته کاری عبارت است از ارزش ذاتی باغ پسته که بیانگر میزان سوددهی آن در درازمدت است. مفاهیم

پیشگفته در زیر محاسبه شده است:

$$\text{هکتار} \frac{2}{35} = \frac{15672261}{(810 \times 19500) - 9136000} = \text{مخارج متوسط سالانه یک خانوار پسته کار} = \text{حداقل وسعت اقتصادی (هکتار)}$$

ارزش افزوده یک هکتار پسته (درآمدخالص) = ۹۱۳۶۰۰۰ - (۸۱۰ × ۱۹۵۰۰) = ۱۵۶۷۲۲۶۱

سطح زیرکشتی که نقدینگی را صفر می‌کند

$$\text{ریال} 36994444 = \frac{6659000}{0/18} = \text{ارزش افزوده یک هکتار پسته (درآمدخالص)} = \text{ارزش بازاری یک هکتار پسته با تولید متوسط (ریال)}$$

نرخ بهره بانکی درازمدت

## نتیجه‌گیری نهایی

۱. درآمد خالص در واحد سطح (هکتار) برای کلیه گروهها و نیز برای متوسط جامعه مثبت است که این خود اقتصادی بودن تولید پسته را در منطقه رفسنجان نشان می‌دهد. به عبارت دیگر می‌توان گفت که تولید پسته در واحد سطح از مزیت نسبی برخوردار است؛ زیرا تولید اقتصادی سایر محصولات کشاورزی در منطقه به دلیل شرایط خاص آب و خاک مقدور نیست.

۲. نقدینگی محاسبه شده برای گروههای مختلف نشان می‌دهد که میزان آن برای گروههای ۱ و ۲، یعنی گروههایی که به طور متوسط ۵/۰٪ و ۷۵/۱ هکتار پسته داشته‌اند، منفی است، ولی برای گروههای ۳ و ۴، یعنی گروههایی که به طور متوسط ۷۵/۳ و ۷۵/۷ هکتار پسته داشته‌اند، مثبت است. همچنین برای متوسط جامعه مورد مطالعه با سطح زیرکشت ۵/۲ هکتار میزان نقدینگی مثبت است.

۳. در گروههای ۱ و ۲ درآمد ناخالص حاصل از تولید پسته جوابگوی هزینه‌های تولید کشاورزی و هزینه‌های مصرفی خانوار نیست و بنابراین بهره‌برداران موجود در این دو گروه مجبورند از هزینه‌های تولید و یا مصرفی خانوار خود بکاهند. اگر از هزینه‌های تولید کاسته شود به دلیل ضروری بودن این هزینه‌ها عملکرد کاهش می‌یابد و اگر از هزینه‌های مصرفی خانوار کاسته شود آنها از لحاظ معیشتی در سطحی پایینتر از متوسط قرار می‌گیرند که مسئله تأمین نشدن متوسط سطح زندگی پیامدهای خاص اقتصادی و اجتماعی خود را دارد. آنچه در مورد این دو گروه اتفاق افتاده در اصطلاح اقتصادی به دور تسلسل توسعه نیافتگی معروف شده است که

در صورت عدم چاره‌اندیشی برای آن سال به سال تشدید می‌یابد.

۴. در گروه‌های ۳ و ۴ درآمد ناخالص حاصل از تولید پسته بیشتر از هزینه‌های تولید و هزینه‌های مصرفی است و ظاهراً وضعیت نامساعد مالی وجود ندارد و نظریه دور تسلسل به اثبات نمی‌رسد. ولی مسئله‌ای که در مورد این گروه‌ها وجود دارد، تأمین نشدن منابع مالی در فصلهای پاییز و زمستان است که باغهای پسته نیاز به اصلاح و صرف هزینه بیشتر دارند. باغداران این دو گروه یا مجبورند از اعمال هزینه‌های مورد نیاز خودداری کنند که این خود سبب کاهش عملکرد می‌شود و یا برای تأمین اعتبار به بانکهای دولتی و یا بخش خصوصی مراجعه نمایند که در هر صورت به دلیل پرداخت بهره‌های درخور توجه و هزینه‌های پنهان آن، در درازمدت این دو گروه دچار وضعیت نامساعد مالی خواهند شد.

### پیشنهاد‌های کاربردی

۱. در گروه‌های ۱ و ۲ به دلیل اثبات نظریه دور تسلسل فقر و توسعه‌نیافتگی راهی جز حمایت واقعی دولت وجود ندارد (تعریف راههای عملیاتی برای افزایش عملکرد تولید در هکتار و حمایت اجرای آن) و لذا برای خارج شدن از وضعیت نامساعد مالی باید تدابیر جدی اندیشیده شود؛ زیرا در غیر این صورت دو گروه پیشگفته همواره در این وضعیت گرفتار خواهند ماند و به مرور زمان عملکردشان در واحد سطح کاهش می‌یابد و با توجه به روند افزایش هزینه‌های تولید، تولید پسته برای آنها غیر اقتصادی می‌گردد و احتمال رها کردن این کار زیاد می‌شود.

۲. در گروه‌های ۳ و ۴ مشکل وضعیت نامساعد مالی وجود ندارد بلکه مشکل عدم تأمین منابع اعتباری و پرداخت نکردن بوقع پول حاصل از فروش محصول مورد نظر است. لذا برای اینکه وضعیت نامساعد مالی ایجاد نشود به نظر می‌رسد باید سیاست خرید محصول به طور تضمینی اجرا شود و پرداخت بوقع پول صورت گیرد تا نیازی به دادن یارانه و تزریق منابع اعتباری بیشتر وجود نداشته باشد. به عبارت دیگر حمایت از این گروه‌ها کم هزینه‌تر ولی بسیار ضروری‌تر است.

## منابع

۱. اداره آمار و اطلاعات، آمارنامه‌های کشاورزی مربوط به سالهای ۶۰-۷۲ و بانک اطلاعات کشاورزی، وزارت جهاد کشاورزی تهران.
۲. جیروند، عبدالله (۱۳۷۵)، توسعه اقتصادی (مجموعه عقاید)، انتشارات مولوی، تهران.
۳. سلطانی، غلامرضا، بهاءالدین نجفی و جواد ترکمانی (۱۳۷۱)، مدیریت واحد کشاورزی، انتشارات دانشگاه شیراز، شیراز.
۴. شرکت تعاونی تولیدکنندگان پسته رفسنجان (۱۳۷۵)، گزارش عملکرد سالهای ۶۱-۷۵، رفسنجان.
۵. صداقت، رضا (۱۳۷۶)، بررسی اقتصادی گرایش به پسته و تأثیرات آن بر الگوی کشت و درآمد زارعین در استان فارس، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز، شیراز.
۶. صداقت، رضا (۱۳۷۹)، مجموعه اطلاعات جمع آوری شده از پرسشنامه تولیدکنندگان پسته در استان کرمان، پروژه تحقیقاتی بازاریابی، صادرات و آینده‌نگری بازار جهانی پسته، مؤسسه تحقیقات پسته کشور، رفسنجان.
۷. طاهری، شهنام (۱۳۷۶)، توسعه اقتصادی و برنامه ریزی، انتشارات آروین، تهران.
۸. فربود، فرزاد (۱۳۷۸)، تعیین نظام ارتباطات مؤثر ترویجی پسته کاران شهرستان رفسنجان، گزارش نهایی، مؤسسه تحقیقات پسته کشور.
۱۱. مرکز آمار ایران (۱۳۷۹)، نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای روستایی کشور.
۱۲. نجفی، بهاءالدین و غلامرضا سلطانی (۱۳۶۲)، اقتصاد کشاورزی، انتشارات دانشگاه شیراز، شیراز.